

۱ - مقدمه

قماربازی سابقه‌ای چند هزار ساله در زندگی بشر دارد، به طوری که کتب تاریخی رواج برخی از انواع قمار مانند بازی با نرد را مربوط به زمان پادشاهی «برهمن» (یکی از پادشاهان هند باستان) در حدود قرن نهم تا هشتم پیش از میلاد دانسته‌اند (نک: مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۵). علت این پیشینه طولانی، شوق نفسانی انسان برای به دست آوردن مال و ثروت در کوتاه‌ترین مدت و با کمترین تلاش است. آتش این طمع هنگامی که با باخت و از دست رفتن مال همراه شود، شعله‌ور می‌شود و کسب مال بر بادرفته و آبروی ریخته شده قمارباز را به تکرار چندباره این بازی تشویق می‌کند تا آنجا که بر اثر باخت‌های مکرر، هر آنچه داشته از دست بدهد و چیزی برای قمار کردن پیدا نکند (نک: اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۱۳). در برخی از داستان‌های مربوط به قمار، قماربازان تا آنجا پیش رفته‌اند که خانه و کاشانه و حتی ناموس خود را به گرو گذاشته‌اند (امینی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۲۷).

آثار ویرانگر فردی و اجتماعی این عمل همچون اضطراب، نگرانی، خودکشی، ایجاد کینه و دشمنی، طلاق، قتل و نهایتاً دور شدن جامعه از مسیر تولید و پیشرفت بر کسی پوشیده نیست، تا آنجا که در بسیاری از کشورهای جهان مانند انگلستان در سال ۱۸۵۳، امریکا در سال ۱۸۵۵، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار ممنوع اعلام شده است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۲۸). به خاطر وجود چنین پیامدهای مخربی در دین اسلام از قماربازی نهی شده و حرمت آن از طریق آیات و روایات بیان شده است.

گفتنی است قمار از منظر تمامی فقها حرام بوده و تصرف در مالی که از این راه به دست می‌آید نیز مصداق اکل مال به باطل است (انصاری، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بحرانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۸۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۹۱۲؛ حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۳۷۶؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۰۹؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۸۲؛ حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۸۵) تا جایی که حرمت قمار یکی از ضروریات دین به شمار رفته است (نک: خوبی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۲). امام خمینی (ره) تمامی اقسام قمار را از گناهان کبیره می‌داند (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۴۷). علاوه بر آیات قرآن - که در ادامه ذکر خواهد شد - روایات متواتری بر حرمت قمار دلالت می‌کنند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۰۹) که به گفته علامه طباطبائی (ره)، این روایات در شیعه و سنی به اندازه‌ای زیاد است که از حد شمارش بیرون است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۳۷).

قماربازی با توجه به زمان‌ها و تمدن‌های مختلف، شکل‌های متفاوتی به خود گرفته و بعضاً

در هر عصری مصادیق خاص خود را داشته است. امروزه نیز با پیچیده شدن پدیده‌های بشری، مسابقات و بازی‌ها نیز شکل پیچیده‌تری پیدا کرده است، به طوری که در کنار شکل سنتی، شکل مدرن این بازی‌ها از طریق رایانه و... - به ویژه در میان نسل نوجوان و جوان - رواج پیدا کرده است. آنچه مهم است، تشخیص بازی‌های قمار از میان سرگرمی‌ها و بازی‌های رایج باهدف گرفتار نشدن در دام پیامدها و اثرهای ویران‌کننده قمار است. برای رسیدن به این مهم، باید مفهوم شرعی قمار به درستی شناخته شود و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن به طور دقیق شناسایی شوند؛ در غیر این صورت، نمی‌توان به درستی مصادیق قمار را شناخت و از آن‌ها اجتناب کرد. به علاوه، احتمال انطباق پدیده‌های نوظهوری همچون «استخراج کوین‌ها» با قمار، بیش از پیش ضرورت تعیین ضابطه آن را آشکار می‌سازد.

با وجود چنین ضرورتی، فقیهان معمولاً معنائشناسی دقیق قمار را پی نگرفته‌اند و از حرمت چیزی سخن گفته‌اند که معنای دقیق آن را - که با قرآن کریم و روایات نیز همسو باشد - به دست نداده‌اند؛ به همین جهت است که در لسان آنان نمی‌توان تعریف دقیقی از قمار - که جامع افراد و مانع اغیار باشد - پیدا کرد. به علاوه، تعاریف فقیهان گاه ناهمگون بوده و منشأ آثار متفاوتی در علم فقه شده است، به طوری که گاهی در مصداق یابی اشتباهاتی رخ داده تا آنجا که برخی از فقها در مواردی اعمالی را قمار دانسته‌اند که با تعریف مشهور فقهی از قمار - که بعضاً خود نیز پذیرفته‌اند - انطباقی ندارد؛ به عنوان مثال، برخی بیع آنچه معلوم نباشد را قمار دانسته‌اند (نک: حلی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۱۲). به نظر می‌رسد ریشه چنین توسعه‌ای در معنای قمار را می‌توان در کتب اهل تسنن یافت؛ زیرا برخی از آنان معتقدند که میسر دو نوع است: یک نوع در مسابقات و نوع دیگر در معاملات (نک: سعدی، ۱۴۳۲، ج ۸، ص ۱۰۲).

خلاصه آنکه نپرداختن بسیاری از فقها به تحلیل معنایی واژه «قمار» و همچنین نارسایی تعاریف موجود از آن از یک سو و فقدان پژوهش مستقلی در این زمینه از سوی دیگر، نگارندگان این جستار را بر آن داشت که به ذکر مهم‌ترین تعاریف ارائه شده در این زمینه و سپس راستی‌آزمایی آن‌ها با بررسی آیات و روایات باب پرداخته و در نهایت تعریفی جامع و مانع از قمار ارائه داده تا بر اساس آن بتوان در راستای تشخیص مصادیق قمار به ویژه در مسابقات و بازی‌های عصر مدرن موفق بود.

۱- برخی از دانشمندان اهل تسنن علاوه بر «بازی با نرد و شطرنج»، «بیوع غرر» را نیز مشمول عنوان قمار دانسته‌اند (نک: ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۴).

۲- پیشینه تحقیق

در کتب فقهی از قمار بیش تر در دو باب «مکاسب محرّمه» و «سبق و رمایه» سخن رفته است. از آنجاکه برخی از اقسام قمار مستقیماً به خوردنی‌ها مربوط می‌شوند، در برخی از منابع، بحث از قمار، علاوه بر ابواب ذکر شده، در ابواب اطعمه و اشربه نیز آورده شده است. همچنین از آن رو که شهادت قمار باز پذیرفته نمی‌شود، به این مبحث در ابواب شهادت نیز اشاره شده است (نک: اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۲۹). البته در برخی از کتب حدیثی، روایات قمار با عنوانی مستقل همچون «باب القمار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۲۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۲۳؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۱۸) ذکر شده است.

با وجود این، همانطور که گفته شد، در منابع موجود معمولاً به طور مبسوط به مسأله قمار و بررسی عناصر تشکیل دهنده مفهوم آن پرداخته نشده است و صرفاً بیشتر درباره اقسام و احکام آن سخن گفته شده است؛ به علاوه، در مواردی هم که تعاریفی از قمار ارائه شده، دقیق، جامع و مانع نیست. همچنین در میان دیگر تحقیقات صورت گرفته مانند مقالات نیز پژوهش مستقل و مفصلی پیرامون «معنی شناسی قمار» به چشم نمی‌خورد؛ در عین حال، مواردی مرتبط با مسأله مورد بحث وجود دارد که بدان‌ها اشاره می‌شود:

الف) کتاب «قمار، مسابقات و سرگرمی» نوشته صانعی و کتاب «شطرنج و قمار» نوشته پور امینی؛ در این دو کتاب به صورت اجمالی معنای قمار بررسی شده و در ادامه به بررسی احکام حالت‌های مختلف آن پرداخته شده است.

ب) کتاب «القمار حقیقه و احکامه» نوشته سلیمان ملحم؛ نویسنده از عامه بوده و معنی و احکام قمار را از منظر اخبار و نیز آراء علمای اهل تسنن مورد بررسی قرار داده است.

ج) مقالات «واکاوی مفهوم مخاطره در قراردادهای با تأکید بر مفاهیم قمار و غرر» و «نسبت سنجی فقهی-حقوقی بخت‌آزمایی با قمار»؛ در این دو مقاله نویسندگان به ترتیب به بررسی معنای مخاطره و انواع قراردادهای مخاطره‌آمیز و بخت‌آزمایی به عنوان یکی از مصادیق قمار پرداخته‌اند.

د) مقالات «تحلیل جرم قمار در فقه و حقوق ایران»، «مبانی فقهی جرم انگاری قمار در حقوق ایران» و «قماربازی در فضای مجازی از نظر حقوق کیفری»؛ نویسندگان در این مقالات به بررسی مبانی و آثار جرم انگاری قمار پرداخته و به ارائه تعریف قانونی قمار در حقوق ایران همت گماشته‌اند.

ه) مقاله «بررسی صدق موضوعی قمار بر شرط‌بندی‌های اینترنتی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)»؛ در این مقاله ضمن اشاره اجمالی به معنای قمار و نظریات فقها درباره آن، به بررسی مفهوم حقوقی آن و همچنین اثبات صدق موضوعی قمار بر شرط‌بندی‌های اینترنتی پرداخته است.

بنابراین روشن می‌شود که تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون معناشناسی فقهی قمار و ارائه تعریفی دقیق از آن صورت نگرفته است؛ به‌علاوه، تعریفی که در نهایت این جستار از قمار به‌تبع بازشناسی عناصر دخیل در آن- ارائه می‌دهد، متفاوت است با آنچه تاکنون به‌طور پراکنده به‌عنوان مفهوم قمار ارائه شده است.

۳- مفهوم‌شناسی

۳-۱- معنای لغوی قمار

واژه «قمار» بر وزن «فِعال» همچون واژه «مُقَامَرَة» از مصادر باب مفاعلة و به معنای «قمارکردن» است. مشهور لغویان ریشه این کلمه را از واژه «قمر» دانسته (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۱۵) و درباره وجه اشتقاق آن مطالبی گفته‌اند (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۱۴؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۱۷). این ریشه علاوه بر باب مفاعلة، در باب‌های تفاعل و تفعُّل نیز به ترتیب به معنای «قمار کردن» و «پیروز شدن در قمار» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۱۵).

واژه «قمار» در اکثر قریب به اتفاق کتب لغتی که به بررسی معنای کلمات قرآن کریم می‌پردازند، به چشم نمی‌خورد، چراکه این واژه در قرآن کریم به کار نرفته و در دو جا (بقره/۲۱۹؛ مائده/۹۰ و ۹۱) آن‌هم با کلمه «میسیر» از آن یاد شده است. از سوی دیگر، به دلیل پیشینه کهن قمار و روشن بودن معنای آن در عرف، برخی از کتاب‌های لغوی متقدم مانند العین (قرن دوم) ذیل ماه «قمر» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۶۱) مشخصاً به ذکر معنای این واژه پرداخته و تنها در بیان معنای «میسر» اشاره‌ای به آن داشته است؛ هرچند که در جای دیگری از کتاب یاد شده، در کنار قمار، معنای غلبه (چیرگی و پیروزی) ذکر شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۰۵). در کتاب

۱- برخی نیز به پنج قول در این زمینه اشاره کرده‌اند (نک: ملحم، بی تا، صص ۶۲-۶۴).

۲- «القمار معروف» (صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۱۹)

۳- «المیسر: کل نعت و فعل یقمر علیه فهو القمار.» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۵۵)

معجم المقاییس اللغة (قرن چهارم) نیز ضمن هم معنی دانستن میسر و قمار (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۵۶) به صراحت معنای قمار نیامده و قیودی برای آن مشخص نشده است (نک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۶). زمخشری (قرن پنجم و ششم) در کتاب أساس البلاغة در بیان معنای قمار، ضمن اشاره به معنای غلبه، آن را به معنای فریب دادن و خدعه کردن دانسته است (زمخشری، ۱۳۹۹، ص ۵۲۲). ابن اثیر (قرن ششم و هفتم) نیز در النهاية ضمن هم معنی دانستن میسر و قمار (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۲۹۶)، نقل می کند که هر آنچه در آن قمار صورت گیرد، میسر محسوب می شود، حتی بازی کودکان با گردو (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۵۴). همچنین ابن منظور (قرن هفتم و هشتم) در لسان العرب پس از جمع آوری اقوال، معتقد است که قمار در بردارنده مفهوم فریفتن و گول زدن بوده و به معنای نوعی بازی است که همراه با «رهان» (گروگذاری) باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، صص ۱۱۴ و ۱۱۵)؛ هرچند در این تعریف اشاره ای به قید «غلبه» نشده، اما روشن است درجایی که چیزی رهن و گرو گذاشته شود، باید با نوعی از بردو باخت همراه باشد تا وجود رهن معنی پیدا کند. فیومی (قرن هشتم) در المصباح المنیر بدون توضیحی، در بیان معنای قمار، به معنای غلبه بر شخص دیگر اشاره می کند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۵)؛ از این معنی مشخص می شود که از نظر وی قمار، عملی است که با نوعی بردو باخت همراه باشد. زبیدی (قرن دوازدهم و سیزدهم) نیز در تاج العروس قمار کردن را نوعی بازی می داند که در آن چیزی رهن گذاشته شود و به فرد برنده داده شود (حسینی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۱۳).

از مجموع سخن لغویان می توان چنین نتیجه گرفت که قمار نوعی «بازی» است که با «رهان» همراه باشد. البته از آنجا که قید «غلبه» در معنای «رهان» وجود دارد، به جز اندکی، به آن اشاره نکرده اند.

گفتنی است در کتب لغت یادشده اشاره ای نشده که قمار لزوماً باید با ابزار و آلات مخصوص به آن صورت گیرد؛ این در حالی است که طریحی (قرن دهم و یازدهم) در مجمع البحرین، پس از اینکه جنس قمار را بازی کردن می داند، با آوردن قیدی توضیحی اشاره می کند که منظور، بازی کردن با آلات مخصوص به قمار است؛ مانند شطرنج و نرد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۶۳)؛ بدین

۱- گاهی در فارسی برخی از «رهان» تعبیر به «بردو باخت» (نک: خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۵۴۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۱۰۰۳) یا «شرط بندی» (نک: خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۹۶۱) می کنند که خالی از مسامحه نیست؛ زیرا اولاً در هر بازی بردو باخت وجود دارد، چه در آن رهان باشد چه نباشد؛ ثانیاً قمار با شرط بندی تفاوت هایی دارد؛ از همین روی، در این مقاله به جای تعبیر یادشده، از تعبیر «گروگذاری» - که معادل دقیق تری برای رهان یا مراهنه است - استفاده کرده ایم.

۲- به ابزارهایی مانند پاسور و نرد که نزد عرف به عنوان ابزار مختص به قمار شناخته شوند، «آلات قمار» می گویند (نک: هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۲).

معنی که قمار کنندگان چیزی را به عنوان رهن کنار بگذارند و با یکی از ابزار مخصوص، قمار کنند، سپس آنچه را گرو گذاشته شده به فرد پیروز دهند. بر اساس نقل این کتاب، فقط بازی همراه با راهنما قمار نیست، بلکه باید قید دیگری را نیز بدان افزود که همان «استفاده از آلات مخصوص به قمار» است.

خلاصه آنکه با بررسی کتب لغت چنین به دست می‌آید که بیشتر لغویان قمار را نوعی عمل و از جنس «بازی» و به منظور «غلبه» دانسته و «رهان» را مقوم اصلی معنای آن می‌دانند. در این میان، تنها کتاب مجمع البحرین، «استفاده از آلات قمار» را نیز در بازی قمار دخیل دانسته است؛ شایان ذکر است با توجه به آنکه این کتاب شامل استنباط‌های فقهی و کلامی مؤلف نیز است، به نظر می‌رسد این قید، به معنای اصطلاحی قمار اشاره دارد، نه معنای لغوی آن.

۲-۳- معنای اصطلاحی قمار

پس از آنکه معنای لغوی قمار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، اینک به بررسی معنای قمار در اصطلاح فقها می‌پردازیم.

همانطور که گفته شد، قمار به اتفاق تمامی فقها حرام است. حال برای آنکه مشخص شود قمار به عنوان موضوعی برای حکم حرمت از نظر شرع چه قیود و حدودی دارد، ضمن بررسی آیات و روایات، باید تعاریفی که فقها از قمار ارائه داده‌اند نیز نقادی شود.

در کتب فقهی تعریف‌های متفاوتی از قمار مطرح شده است. به گفته شیخ انصاری، قمار عبارت است از بازی با ابزارهای خاصی که در آن، چیزی گرو گذاشته می‌شود (انصاری، بی تا، ج ۱، ص ۳۷). در این تعریف، هم قید «ابزارهای مخصوص به قمار» به چشم می‌خورد و هم قید «مراهنه»؛ به علاوه، اساساً قمار نوعی «بازی» و از سنخ عمل دانسته شده است.

همچنین برخی همچون صاحب جواهر تصریح کرده‌اند که فرقی نیست میان آنکه گرو و رهن از جانب طرفین بازی قرار داده شود یا آنکه از طرف فرد ثالثی در نظر گرفته شده باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۰۹؛ نک: صافی، ۱۴۲۸، ص ۳۰۵)؛ البته این مطلب قابل مناقشه است که در پایان این نوشتار بدان اشاره خواهد شد.

۳-۲-۱- حالت‌های چهارگانه بازی

به طور کلی هر نوعی از بازی، یا با ابزاری که برای قمار کردن ساخته و آماده شده است (آلات قمار) صورت می‌گیرد یا بدون آن؛ و هرکدام از این دو حالت نیز یا با گروگذاری همراه است یا بدون

آن؛ بنابراین یک بازی چهار حالت دارد (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۱) که معمولاً در کتب فقهی در مباحث مربوط به قمار به آن‌ها اشاره می‌شود. ظاهراً اولین بار شیخ انصاری به این حالات چهارگانه اشاره کرده و برخی نیز به تبعیت از وی چنین تقسیم‌بندی‌ای را در کتب خود ذکر کرده‌اند. این حالات چهارگانه عبارت‌اند از:

حالت اول: بازی با ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری؛ مانند بازی با پاسور همراه با گروگذاری

حالت دوم: بازی با ابزار مخصوص به قمار بدون گروگذاری؛ مانند بازی با پاسور بدون گروگذاری

حالت سوم: بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری؛ مانند بازی با منچ همراه با گروگذاری

حالت چهارم: بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار بدون گروگذاری؛ مانند بازی با منچ بدون گروگذاری

شکی نیست که حالت چهارم را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۸)؛ با وجود این، درباره حکم این حالت اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی به دلیل اجماع، روایاتی خاص یا از آنجاکه قائل به حرمت مطلق لهُو هستند، این حالت را از مصادیق لهُو و در نتیجه حرام دانسته‌اند (نک: حلی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۱۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۰ به بعد؛ انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۰).

۳-۲-۲- نظریات فقها درباره قمار

پس از بیان حالت‌های چهارگانه یک بازی، اکنون به نظریاتی که درباره مفهوم شرعی قمار مطرح است اشاره کرده و پس از بررسی ادله قرآنی و روایی و عنصر شناسی مفهوم قمار، در پایان تعریف مختار خود را از آن ذکر خواهیم کرد.

بحث زیادی درباره ماهیت قمار و بعضاً درباره مصادیق و آلات آن در فقه دیده نمی‌شود؛ به‌عنوان مثال، صاحب جواهر می‌نویسد:

«لاریب و لاخلاف فی أنّ اللعب بالآلات القمار کلّها حرام کالشطرنج و النرد الذی فی بعض الأخبار أنّه أشدّ من الشطرنج...» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۴۳).

۱- برخی در شرح کلام شیخ انصاری، درباره قمار تا شش حالت نیز بیان کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۰۳، حاشیه ۲).

از همین روی، در لسان فقها نمی‌توان برای قمار تعریف دقیقی پیدا کرد. البته در این میان، برخی همچون شیخ انصاری، امام خمینی (ره)، محقق خویی و محقق خوانساری راه دیگری را پیش گرفته و تا حدی به بررسی مفهوم قمار پرداخته‌اند، هرچند که در کلام قریب به اتفاق اینان نیز تردید دیده می‌شود که بیان آن خواهد آمد.

می‌توان مهم‌ترین نظریات درباره قمار را به سه دسته کلی منقسم نمود:

۳-۲-۱- نظریه اول: قمار عبارت است از بازی با ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری.

شیخ انصاری ضمن ارائه این تعریف (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۱) معتقد است علما نسبت به حرمت این نوع از بازی همداستان‌اند (انصاری، بی‌تا، ج ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۲). از نظر امام خمینی (ره) قدر متیقن از ادله و مصداق اکمل آن‌ها، همین معنی برای قمار است (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۷). صاحب جامع المدارک (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۳، ص ۲۷) این تعریف را برگزیده و کاشف‌الغطاء (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۰، ص ۴۰) نیز به آن اشاره کرده است. صاحب جواهر نیز اصل قمار را بازی با آلات قمار همراه با گروگذاری می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۰۹).

۳-۲-۲- نظریه دوم: قمار عبارت است از بازی‌ای که با گروگذاری همراه باشد (چه همراه با ابزار مخصوص به قمار و چه بدون آن)

بر اساس این نظریه، اگر در مسابقه‌ای آلات قمار وجود داشته باشد، اما رهانی در کار نباشد، نمی‌توان آن را از مصداق قمار به شمار آورد؛ در مقابل، اگر بازی حتی با ابزاری که عادتاً جزو آلات قمار نیستند (مانند گردو و انگشتر که در روایات آمده است) صورت بگیرد، اما گروگذاری در آن باشد، قمار محسوب شده و حرام است.

محقق نراقی این نظریه را برگزیده است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۱۰۴). شیخ انصاری با اینکه معتقد است صدق تعریف قمار بر بازی با گروگذاری بدون ابزار مخصوص قمار محرز نیست، اما آن را از نظر حکم (حرمت) ملحق به مورد قبل (بازی با آلات قمار همراه با گروگذاری) می‌داند (نک: انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۵). البته شیخ خود در ادامه می‌گوید: «ظاهراً مقامره به معنای مغالبه دو طرف با شرط رهن است [چه با آلات قمار و چه بدون آن]». (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۷)

۱- البته شیخ انصاری بعد از ذکر این تعریف، به دو تعریف دیگر نیز اشاره می‌کند که به نوعی شاید بیانگر تردید ایشان نسبت به تعریف شرعی قمار است (نک: انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۱).

از نظر محقق خوئی نیز گروه‌گذاری در مفهوم قمار اخذ شده است، چه بازی با آلات مخصوص به قمار صورت بگیرد و چه با غیر آن (خوئی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۸۵).
گفتنی است تعریفی که این نظریه از قمار در اصطلاح شرع ارائه می‌دهد، با مفهوم لغوی قمار که در آن «رهان» اخذ شده بود (نه ابزار قمار)، هماهنگی و تناسب دارد. شاهد دیگر آنکه در بسیاری از تعاریف دانشمندان اهل تسنن از قمار نیز مسأله نقل و انتقال مال جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌عنوان مثال، فخر رازی در تعریف میسر می‌گوید: «المیسر: ما یوجب دفع المال أو أخذ مال.» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۰۰) ابن تیمیه نیز می‌نویسد: «الْقِمَارُ مَعْنَاهُ أَنْ يُؤْخَذَ مَالُ الْإِنْسَانِ وَ هُوَ عَلَى مُخَاطَرَةٍ» (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۴).

۳-۲-۲-۳- نظریه سوم: قمار عبارت است از بازی‌ای که با ابزار مخصوص به آن انجام شود (چه همراه با گروه‌گذاری و چه بدون آن)
شهید ثانی و محقق اردبیلی در تعریف قمار می‌نویسند:
«قمار عبارت است از بازی با وسایل ویژه قمار مانند [بازی با] نرد و شطرنج.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۲۹؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۱)
صاحب جواهر نیز همین نظر را دارد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۰۹؛ ج ۴۱، ص ۵۶).
همچنین برخی معتقدند که در عرف به کسی که بدون راهنما با آلات قمار بازی کند، قمار باز می‌گویند (موسوی سبزواری، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۴۰؛ ایروانی نجفی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۷). محقق کرکی نیز به این نظریه به‌عنوان یک احتمال اشاره کرده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۴).
بر اساس این نظریه، اگر کسی حتی به‌قصد تفریح کردن (نه گروه‌گذاری) اقدام به بازی با ابزار قمار کند، بازی او مصداق قمار خواهد بود.

۳-۳- باز کاوی معنایی واژگان مرتبط

در این قسمت، به اجمال معنای واژگانی که در به دست آوردن تعریفی صحیح از قمار دخیل هستند، بررسی می‌شود:

۳-۳-۱- میسر

به‌طور کلی در قرآن و روایات الفاظی به‌کاررفته‌اند که بر معنای قمار کردن دلالت دارند. این الفاظ به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند:

الف) الفاظی که معنای فعلی دارند، مانند میسر (این معنی محل بحث است).
ب) الفاظی که معنای ابزار و آلات قمار دارند؛ از قبیل ازلام (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۰۰) شطرنج، نرد و کعب (طاس‌های تخته‌نرد). این الفاظ بر نوعی خاص از قمار که آلات مخصوص خود را دارد، دلالت دارند و مانند میسر و قمار معنایی فراگیر ندارند (نک: اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۲۱).

آنچه در این نوشتار برای ما اهمیت دارد، مفهوم‌شناسی کلمه «قمار» و مترادف آن، کلمه «میسر» است. پیرامون معنای لغوی قمار سخن گفته شد، اکنون به اختصار به معنی‌شناسی کلمه میسر می‌پردازیم:

واژه «میسر»، از نظر مشهور لغویان مصدر میمی است که از ریشه «یسر» به معنای آسانی، در مقابل سختی (عُسر) گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۹۸). از آنجا که مال به دست آمده از راه قمار به آسانی و بدون زحمت به شخص برنده می‌رسد، از قمار تعبیر به میسر شده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۶۳؛ نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۲). به قمارباز «یاسر» می‌گویند (نک: ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۲۹۶)؛ زیرا درآمدی را مفت، از آن خود می‌کند. به‌عنوان مثال، در قمار با نرد، فردی قاپ (طاس) می‌اندازد و با یک انداختن، گاه پول هنگفتی را از آن خود می‌کند. اسلام اکتساب ثروت و انتقال مال را از یکی به دیگری به گونه یادشده و بدون زحمت، ممنوع کرده و آن را مشروع نمی‌داند. چه بسا به همین جهت خداوند در قرآن کریم به جای کلمه «قمار»، از واژه «میسر» استفاده کرده است تا به نوعی به وجه حرمت این عمل نیز اشاره‌ای داشته باشد.

در کتاب‌های لغت دو معنای کلی برای «میسر» ذکر شده است:

الف) برخی میسر را به معنای فعل قمار کردن دانسته‌اند. البته در نوع ابزاری که در میسر استفاده می‌شود، اختلاف است؛ از سخن برخی از لغت‌شناسان برمی‌آید که آنان بازی با تمامی ابزار مخصوص قمار را نوعی میسر می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۲۹۶) و برخی دیگر تنها بازی با نوع خاصی از ابزار را مصداق میسر دانسته‌اند؛ مانند بازی با قِداح، شطرنج یا ازلام (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۹۸ و ۳۰۰). به نظر می‌رسد میسر از نظر لغوی به هر نوعی از قمار اطلاق می‌گردد و مصادیق ذکرشده توسط برخی لغویان، ذکر برخی از مصادیق به سبب غلبه آن‌ها برای عنوان کلی میسر است. گفتنی است واژه میسر در قرآن کریم

۱- البته برخی وجه تسمیه «میسر» را به عبارات دیگری نیز بیان کرده‌اند (نک: طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱،

ص ۲۵۲؛ سالم، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۹۲).

۲- پیش‌تر بدان اشاره شد.

(بقره/۲۱۹) و در برخی^۱ از روایات به همین معنای قمار کردن به کاررفته است.

ب) برخی نیز «میسر» را به معنای ابزار قمار کردن دانسته‌اند. طریحی می‌گوید: «قیل کل شیء یكون منه قمار فهو المیسر» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۲۰)؛ تعبیر «شیء» به ابزار و آلات قمار اشاره دارد. گفتنی است در برخی از روایات میسر به همین معنی^۲ به کاررفته است.

نکته مهم آن است که معنای حقیقی میسر در اصطلاح دینی، فعل قمار کردن است نه ابزار قمار کردن؛ چه، بر اساس آیه ۲۱۹ بقره، همانگونه که نوشیدن خمر در عین داشتن ضررهای فراوان، منفعی نیز دارد، انجام دادن قمار (نه ابزار قمار) نیز دارای منفعی است؛ همچنین بر اساس آیات ۹۱ و ۹۰ مائده، عمل قمار است که موجب عداوت و بغضاء می‌شود، نه ابزار قمار. بنابراین در کاربرد قرآنی میسر مطلقاً به معنای آلت استعمال نشده و اگر در برخی از روایات چنین معنایی برای میسر در نظر گرفته شده، این استعمال به قرینه مشارفت مجازی خواهد بود.^۴

۳-۳-۲- لعب

«لعب» - به کسر یا سکون عین - مصدر و به معنای «بازی کردن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۴۸). راغب بر آن است که «لعب» از «لعب» گرفته شده و آن آبی است که از دهان کودک جاری می‌شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۴۱). اینکه بازی را «لعب» می‌گویند، به خاطر آن است که همانند ریزش لعاب از دهان بدون انگیزه و هدف صحیح (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۹۱) و غرض عقلانی‌ای (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۴۷) انجام می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان لعب را کاری دانست که نفعی ندارد (نک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۰۳).

۳-۳-۳- مرهنة (رهان)

کلمات «مرهنة» و «رهان» مصادر باب مفاعلة و به معنای «گرو بستن با کسی» هستند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۴؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۱۰۹۶۴). این دو واژه همچنین به معنای «مخاطره»

۱- به عنوان نمونه، خداوند می‌فرماید: «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره/۲۱۹)

۲- به عنوان نمونه، از حضرت رضا(ع) نقل شده است: «الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۴)

۳- «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ فَقَالَ كُلُّ مَا تُقَوِّمُ بِهِ حَتَّى الْكِعَابُ وَالْحُجُزُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۳)

۴- ناگفته نماند در برخی از روایات میسر به معنای سومی یعنی گرو (چیزی که وسط گذاشته شده) آمده است. بر اساس روایتی از حضرت رضا(ع) درباره معنای میسر نقل شده است: «الْتَقَلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَالَ الْخُبْزُ وَالثَّقَلُ مَا يُخْرَجُ بَيْنَ الْمُتْرَاهِنَيْنِ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَغَيْرِهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۴۱). باید گفت معنی کردن میسر به رهن و گرو نیز استعمالی مجازی و به نوعی از باب نامیدن اسم مسبب بر سبب است.

یعنی اینکه دو نفر در کاری بزرگ دست به خطر بزنند نیز به کاررفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۸۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۲۵۰) و معنای آن‌ها نزدیک به معانی «خطر بزرگ» و «قمار» (نک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۲۰) بیان شده است. بنابراین می‌توان گفت از آنجاکه لغویان در تعریف قمار، به عنصر «مراهنه» اشاره کرده‌اند - که پیش‌تر بدان اشاره شد - و با توجه به هم معنایی دو واژه «مراهنه» و «مخاطره»، قاعدتاً بازی‌هایی را می‌توان مصداق قمار دانست که در آن‌ها احتمال خطر و ریسک وجود داشته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۵۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۲۱). مؤید این مطلب تعریف برخی از علمای اهل تسنن از قمار است که در آن به مفهوم مخاطره اشاره شده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۴؛ نک: مجددی، ۲۰۰۹، ص ۱۷۷)، تاجایی که حتی برخی از آن‌ها در تعریف خود تنها به همین قید اشاره کرده‌اند؛ در تفسیر قرطبی آمده است:

«مَيْسِرُ الْقَمَارِ، مَا يَتَخَاطَرُ النَّاسُ عَلَيْهِ.» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۳)

در تفسیر کبیر نیز از برخی نقل شده است:

«كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ خَطَرٌ، فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ.» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۰۰)

قابل توجه آنکه در برخی از تعاریفی که از سوی کتب غربی از قمار و موارد مشابه آن صورت گرفته نیز عنصر مخاطره و ریسک و به تعبیری «شانس»، نقش محوری دارد؛ به عنوان مثال، فرهنگ آکسفورد، قماربازی را به معنای بازی کردن در بازی‌هایی می‌داند که نیازمند شانس است (دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۱، ص ۱۴۵؛ نک: قبولی درافشان، ۱۴۰۱، ص ۱۲۱؛ حسین زاده، ۱۳۹۲، صص ۶۷ و ۶۸)

۴- بررسی حدود قمار از منظر آیات و روایات

پس از ذکر نظریاتی که درباره معنی و مفهوم قمار ارائه شده بود، برای ارائه نظریه مختار، باید حدود و قیود ماهیت قمار از منظر شریعت موردبررسی قرار گیرد؛ از همین روی، در ابتدا آیات و سپس مهم‌ترین روایات باب را موردبررسی قرار می‌دهیم:

۴-۱- دلایل قرآنی

۴-۱-۱- آیه ۲۱۹ سوره بقره: «يَسْتُلُونَكَ مِنَ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»؛ درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و گناه هر دو از سودشان بیشتر است.

۴-۱-۱-۱- برداشت اول:

کلمه «میسر» از «یُسِر» گرفته شده و به معنای آسانی است. پیش‌ازاین گفته شد که میسر در قرآن کریم به معنای قمار کردن (نه ابزار قمار) به‌کاررفته است و از آنجاکه مال به‌دست‌آمده از راه قمار در پی تلاش به دست نیامده، بلکه بر اثر برنده شدن در بازی و به‌آسانی کسب شده است، به قمار کردن میسر اطلاق شده است. بنابراین باید در قمار، راهنمه (گروگذاری) وجود داشته باشد تا آنچه گروگذاشته‌شده به‌آسانی به فرد پیروز برسد.

۴-۱-۱-۱-۱- نقد و بررسی:

برخی اشکال کرده‌اند با توجه به آنکه در برخی از روایات، میسر به معنای ابزار قمار استعمال شده، از همین روی، استفاده معنای «اکتساب مال» در میسر باوجود چنین روایاتی، پشتوانه مناسبی برای استدلال فقهی یادشده نخواهد بود (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۸). در پاسخ باید گفت پیش‌ازاین روشن شد که میسر در قرآن کریم به معنای فعل قمار کردن به‌کاررفته و با توجه به سیاق آیات یادشده، معنای دیگری نمی‌توان برای آن در نظر گرفت است؛ پس چنین معنایی (فعل قمار کردن) معنای اصلی میسر خواهد بود و اگر در برخی از روایات میسر بر ابزار قمار اطلاق شده، چنین اطلاقی مجازی خواهد بود. به‌علاوه، اینطور نیست که در تمامی روایات میسر تنها به معنای ابزار قمار به‌کاررفته باشد، بلکه در مواردی به همان معنای فعلی (قمار کردن) به‌کاررفته که پیش‌ازاین بدان اشاره شد.

۴-۱-۱-۲- برداشت دوم:

با توجه به واژه «منافع» در عبارت «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ»، از طرفی شراب و قمار، منافع و سودهایی برای مردم داشته است؛ هرچند مسلماً منافع مادی - که احیاناً از طریق فروش شراب یا انجام قمار حاصل می‌شود - در برابر زیان‌های فوق‌العاده اخلاقی، اجتماعی و بهداشتی این دو بسیار

ناچیز است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۹). از سوی دیگر منظور از این منافع درباره قمار، همان تصرف فرد برنده در چیزی است که بر سر آن قمار صورت گرفته است؛ و این مطلب بیانگر مدخلیت قید رهان در مفهوم قمار است.

۱-۲-۱-۱-۴- نقد و بررسی:

برخی اشکال کرده‌اند که حصر منفعت قمار در سود مالی بدون دلیل است. سود برای انسان، به دست آوردن چیزی است که از داشتن آن محروم بوده است. این نیاز، گاه مالی و گاه غیرمالی است؛ مانند نیازهای روانی، علمی و جسمی. در موارد فراوان انسان‌ها برای به دست آوردن اعتبار و افتخار با گروه‌های مختلف رقابت می‌کنند و حاضر نیستند که حتی با گرفتن رشوه مالی، از تلاش برای پیروز شدن دست بردارند. بنابراین بعید نیست برخی از سودها که در آیه شریفه منظور بوده است، کسب افتخار و آبرو و رفع نیازهای غیرمالی باشد (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۸).

در پاسخ می‌گوییم که این مطلب صحیح نیست؛ چه، در عرب کلمه «منفعت» برای به دست آوردن افتخار، آبرو، اعتبار و... به کار نمی‌رود؛ بلکه منسبق به ذهن از منافع میسر همان منفعت مالی و مادی آن است. به علاوه، مقتضای اشتقاق «میسر» - که از «یسر» گرفته شده - آن میسری است که در آن منفعت مالی در کار باشد (برگرفته از صانعی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

۴-۱-۲- آیه ۹۱ سوره مائده: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»؛ مسلماً شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد؛ آیا شما [از این امور با همه زیان‌ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟
۴-۱-۲-۱- برداشت:

برخی همچون محقق خویی معتقدند که کینه و دشمنی در قمار تنها زمانی به وجود می‌آید که پای گرو در میان باشد (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۷۵)، اما اگر بردوباخت بدون ردوبدل شدن چیزی انجام گیرد، دلیلی برای ایجاد کینه و دشمنی بین دو طرف وجود ندارد.

۴-۱-۲-۱-۴- نقد و بررسی:

هرچند ایجاد کینه و دشمنی به وجود رهان اشعار دارد، اما از آنجاکه اشعار حجت نیست، این استدلال تام نبوده و منحصر دانستن ایجاد کینه و دشمنی در صورت وجود رهان بی‌اساس است؛ زیرا چه بسا مسابقاتی که بدون گروگذاری صورت می‌گیرد، اما موجب کینه و دشمنی می‌شود، و این

مطلبی است که حتی در مسابقات عادی که میان کودکان انجام می‌شود، به وضوح قابل مشاهده است؛ به همین دلیل امام خمینی (ره) معتقد است قمار تنها با رهان نیست که موجب بغض و عداوت می‌شود و ادعای اینکه تمامی دعوای بر سر پول و رهان است، سخن نادرستی است، به ویژه نزد ثروتمندان و مرفه‌ان اهل سرگرمی و تفریح (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۱۷).

۴-۱-۳- جمع‌بندی آیات

با بررسی دو آیه فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که رهان (گروگذاری) در مفهوم قمار اخذ شده است. البته آیات یاد شده نسبت به مدخلیت قیود «بازی» و «استفاده از ابزار مخصوص به قمار» در مفهوم قمار ساکت‌اند.

۴-۲- دلایل روایی:

روایاتی که به نوعی از قمار یا برخی از مصادیق آن سخن گفته‌اند، بسیارند، به طوری که در کتاب جامع احادیث شیعه بیش از ۵۰ روایت با موضوع قمار و مصادیق آن جمع‌آوری شده است (بروجردی، ۱۴۱۵، ج ۱۷، ص ۲۰۹ به بعد) که می‌توان آن‌ها را به طور کلی به سه دسته تقسیم نمود: [۱] دسته اول روایاتی هستند که در صدد بیان حرمت قمار هستند؛ [۲] دسته دوم ضمن بیان مصادیق قمار (مانند بازی با نرد و شطرنج)، به مردم هشدار می‌دهند که از آن‌ها اجتناب کنند و [۳] دسته سوم نیز روایاتی هستند که اثرهای مخرب و زیان‌بار قمار را بیان می‌کنند (جعفر فرد، ۱۳۹۸، ص ۱۷). در ادامه به بررسی مهم‌ترین و مرتبط‌ترین روایات باب خواهیم پرداخت:

۴-۲-۱- روایت اول: اسحاق بن عمار می‌گوید به حضرت صادق (ع) عرض کردم: کودکان با گردو و تخم‌مرغ بازی کرده و قمار می‌کنند، حضرت فرمودند: «از آن نخور؛ زیرا حرام است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۴)

بر اساس روایتی مشابه، حضرت صادق (ع) از خوردن گردوهایی که بچه‌ها در اثر قمار به دست می‌آوردند، نهی می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۳).

در قمار با تخم‌مرغ یا گردو - که بچه‌ها به صورت بازی آن را انجام می‌دهند - تخم‌مرغ‌ها یا گردوهای فردی که می‌بازد به دیگری داده می‌شود که انتقالی غیرشرعی است و چنانچه تخم‌مرغ‌ها و گردوها باهم درآمزد و مخلوط شود، نمی‌توان از هیچ‌یک از گردوها استفاده کرد، مگر آنکه اطمینان پیدا کنند گردوهای هر یک کدام است (نکونام، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

واضح است که گردو و تخم مرغ برای قماربازی و وضع نشده و بالتبع از آلات مخصوص به قمار محسوب نمی شوند (نراقی، ۱۴۲۵، ص ۵۴۷)؛ بنابراین آنچه موجب حرمت اکل شده و عمل یاد شده را از مصادیق قمار قرار داده است، وجود رهان و گروگذاری در آن بوده است. پس بر اساس این روایت می توان گفت که اگر بازی بدون ابزار مخصوص به قمار (مثل تخم مرغ) اما با گروگذاری صورت بگیرد، قمار محسوب می شود.

به علاوه، با توجه به کلمه «یلعبون» در روایت، می توان دریافت که قمار اساساً نوعی بازی و لعب است؛ بنابراین برای صدق قمار، باید قید «بازی» را در نظر گرفت؛ وگرنه ممکن است در مواردی (مانند خرید بلیت های بخت آزمایی، عضویت در شرکت های هرمی، شرط بندی بر روی تیم های فوتبال و...) نیز مال بدون زحمت نیز به انسان برسد، اما نمی توان این موارد را از مصادیق قمار دانست؛ چه، عنوان «بازی» بر آن ها صدق نمی کند، هرچند که حرمت موارد یاد شده به خاطر دلایل دیگری همچون عنوان کلی «حرمت اکل مال به باطل» و... می تواند مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۲-۲- روایت دوم: ابن سعید گوید: حضرت کاظم (ع) خادمی را فرستادند که برای او تخم مرغی بخرد. آن خادم یک یا دو تخم مرغ گرفت و با آن ها قمار کرد. وقتی تخم مرغ را آورد، حضرت آن را خوردند. یکی از خادمان ایشان گفت: «در این تخم مرغ، بخشی از قمار وجود دارد.» راوی می گوید: «حضرت فرمودند طشستی بیاورند و آنچه را خورده بودند، بالا آورند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۳)

این روایت، صرف نظر از بحث دلالتی با وضوح بیشتری بیان می کند که تخم مرغ در آن زمان از ابزار مخصوص به قمار نبوده است؛ چراکه اگر چنین بود اساساً حضرت از ابتدا از آن ها نمی خوردند؛ به علاوه، وجود رهان موجب شده است که حضرت تخم مرغ ها را بالا بیاورند؛ پس بر اساس این روایت نیز می توان گفت وجود رهان در مفهوم شرعی قمار اخذ شده است. از همین روی، محقق خوبی در توضیح دو روایت یاد شده می نویسد:

«این روایات دلالت می کنند بر تحقق قمار به سبب بازی با غیر آلات قمار.» (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۷۹)

۱- برخلاف نظر محقق خوبی که «بلیت آزمایش بخت» را از مصادیق حالت اول قمار، یعنی بازی با آلات قمار همراه با مرانه می داند (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۶۹).

۲- اشکالی مطرح شده که این روایت - بر فرض صدور آن - با علم امام منافات دارد؛ در این زمینه پاسخ هایی داده شده است؛ به عنوان نمونه، می توانید به کتاب المعارف السلطانیة فی کیفیت علم الإمام و کمیته مراجعه کنید.

۴-۲-۳- روایت سوم: از حضرت باقر(ع) نقل شده است که پیامبر(ص) در معنای میسر فرموده‌اند: «هر چیزی که با آن قمار شود؛ حتی طاس‌های تخته‌نرد و گردو.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۲)
این روایت نیز وضعیتی مشابه روایات قبل دارد. واضح است که گردو از ابزار قمار به شمار نمی‌رفته است، اما وجود رهان موجب شده چنین بازی‌ای از مصادیق قمار به شمار آید.

۴-۲-۴- روایت چهارم: مُعَمَّر بن خَلَّاد از حضرت کاظم(ع) نقل کرده است: «[بازی‌های] نرد، شطرنج و اربعة عشر حکم یکسانی دارند و هر چیزی که با آن قمار شود، میسر است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۵؛ نک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۳۹)
از این روایت برمی‌آید که نرد، شطرنج و اربعة عشر همگی از وسایلی بودند که قماربازان با آن‌ها قمار می‌کردند؛ به همین جهت از آن‌ها نهی شده است؛ هرچند که در این میان نرد و شطرنج رایج‌تر بودند و به همین دلیل در روایات زیادی مشخصاً از این دو نهی شده است. در ادامه حضرت در مقام تعلیل می‌فرمایند که به‌طورکلی هر آنچه با آن‌ها قمار شود، میسر به حساب می‌آید؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که قمار تنها با ابزار مخصوص به آن صورت نمی‌گیرد، بلکه به‌طورکلی با هر چه قمار صورت بگیرد (حتی گردو و تخم‌مرغ)، میسر محسوب می‌شود؛ پس آنچه برای تحقق مفهوم قمار مهم است، وجود رهان است، حتی اگر بازی با ابزاری صورت بگیرد که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار نمی‌کنند.

۴-۲-۵- روایت پنجم: از حضرت صادق(ع) درباره آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» نقل شده است: «قریش با اهل و مال خویش قمار می‌کردند و خداوند آنان را از این کار نهی فرمود.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۲)
در این روایت نیز به‌وضوح اشاره شده که در قمار، گروگذاری وجود داشته است.

۴-۲-۶- جمع‌بندی روایات

از روایات ذکرشده - صرف‌نظر از بحث سندی آن‌ها - چنین برمی‌آید که در تحقق مفهوم شرعی قمار وجود این مؤلفه‌ها ضروری است:

۱- «اربعة عشر»، نوعی ابزار چوبی برای بازی است؛ بدین شکل که سه مربع تو در تو که زاویه‌های آن با یک خط به هم متصل شده‌اند، و میان هر دو زاویه نیز خطی وجود دارد و مجموع نقاط محل اتصال، بیست و چهار نقطه می‌شود (نک: طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۲۲؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۸).

اول آنکه قمار اساساً نوعی بازی و لعب است؛ شاید به همین دلیل است که فقها موردی را که دو نفر در یادگیری تجوید قرآن یا خطاطی مسابقه دهند و مالی را نیز در بین خود شرط کنند، از مصادیق قمار نمی‌دانند (خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۸)؛ زیرا باینکه در اینجا رهان وجود دارد؛ اما چون عرفاً عنوان «بازی» بر چنین مسابقه‌هایی صدق نمی‌کند، این موارد را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست؛ از همین روی، برخی گفته‌اند که عمل اشخاص باید در عرف بازی باشد تا قمار بر آن صدق کند. مسابقه در کتابت، نجاری و امثال آن‌ها که حرفه و صنعتی است - حتی اگر برای فرد برنده چیزی در نظر گرفته شود - مصداق قمار نیست (تبریزی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ چراکه در این صورت، مال به شکل آسان و بدون زحمت - آنگونه که در بازی قمار چنین است - به فرد برنده نمی‌رسد، بلکه برای به دست آوردن آن باید از طریق کسب تخصص، تمرین و... زحمت کشیده شود. به علاوه، قبلاً گفته شد که «لعب» به معنای عملی است که در آن انگیزه صحیح و غرض عقلانی و اساساً منفعتی موجود نباشد، حال آنکه این موارد در مثال‌های یادشده وجود دارند.

دوم آنکه در تحقق مفهوم قمار «وجود مراهنه» (گروگذاری) شرط است؛ زیرا در روایات، اشاره شده بود که حتی بازی با گردو و تخم‌مرغ - که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار نمی‌کنند - با وجود مراهنه قمار بوده و حرام است.

محقق خوبی معتقد است که اگر قید «آلات مخصوص به قمار» در تعریف قمار مدخلیت داشته باشد، چنین تعریفی دوری خواهد بود؛ زیرا شناخت «آلات قمار» متوقف به تفسیر و تبیین معنای «قمار» خواهد بود (خوبی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۷۷). بنابراین در مفهوم شرعی «قمار» وجود ابزار مخصوصی لحاظ نشده، همچنانکه در مفهوم «قتل» وجود آلات خاصی شرط نیست (نک: درس خارج اشرفی، ۹۵/۶/۲۸).

مؤید دیگر آنکه معمولاً اختلاف فقها درباره حکم بازی‌هایی است که فاقد گرو هستند؛ اما اگر در بازی‌ای گرو و عوض وجود داشته باشد، نسبت به حرمت آن همداستانند. محقق خوانساری درباره «گروگذاری برای بازی با غیر آلات قمار» مانند گروگذاری برای برداشتن سنگ سنگین، کشتی و... که نصی بر جواز آن نرسیده است، می‌گوید:

«ظاهراً اختلافی در حرمت چنین مسابقاتی نیست... و شاهد این ادعا آن است که فقیهان محل نزاع و اختلاف را مسابقاتی قرار می‌دهند که گرو و عوضی در آن نباشد.» (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۳، ص ۲۸)

۱- در بیشتر نظام‌های حقوقی، بازی‌های مبتنی بر شانس (Game of Chance) مشمول عنوان مجرمانه «قمار» قرار می‌گیرند و بازی‌های مبتنی بر مهارت (Game of Skill) مجاز محسوب می‌شوند (نک: چگینی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۱ و ۳۴۲)

۵- تعریف برگزیده

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که همانطور که مقومات اصلی معنای لغوی قمار، «لعب» (بازی)، «غلبه» (پیروزی) و «رهان» (گروگذاری) بود؛ از نظر شرع نیز مفهوم قمار زمانی صدق می‌کند که اولاً پای بازی در میان باشد، ثانیاً با گروگذاری - که مفهوم غلبه را با خود دارد - همراه باشد و فرقی ندارد بازی با وسایلی صورت بگیرد که عادتاً قماربازان با آنها قمار می‌کنند (مانند پاسور و بلیارد)، یا آنکه بدون این ابزار باشد (مانند گردو، منچ و فوتبال). بنابراین روشن شد که وجود ابزار قمار - برخلاف آنچه برخی ادعا کرده بودند - مداخلیتی در تحقق مفهوم قمار ندارد.

برای دستیابی به تعریفی دقیق از قمار ذکر چند نکته ضروری است:

اول. در تعریف قمار، مفهوم «مخاطره» نیز باید در نظر گرفته شود؛ چه، بر اساس آنچه قبلاً گفته شد، این مفهوم در درون مفهوم «مراهنه» (رهان) وجود داشته و شاید به همین جهت باشد که فقهای شیعه - برخلاف اهل تسنن - در تعریف قمار نوعاً به این مفهوم اشاره نکرده‌اند. پیش‌ازین اشاره شد که مخاطره یعنی اینکه دو نفر در کاری بزرگ دست به خطر بزنند؛ یعنی هر یک از طرفین قمارکننده، مال خود را در معرض خطر از دست رفتن قرار دهند. از معدود افرادی که مفهوم مخاطره را به صورت یک مفهوم مستقل موردبررسی قرار داده، شهید صدر است. از نظر وی، تحریم قمار و درآمدهای ناشی از آن در اسلام به دلیل عدم مشروعیت مخاطره است (نک: صدر، ۱۴۱۷، ص ۶۰۳).

همچنین بر این اساس می‌توان گفت قمار زمانی محقق می‌شود که طرف‌های مسابقه خود اقدام به گروگذاری کنند، نه آنکه طرفی خارج از بازی گرو قرار دهد؛ چراکه در این صورت بازنده ملزم به چیزی نمی‌شود و اساساً مفهوم مخاطره و ریسک نسبت به او معنی پیدا نخواهد کرد؛ به همین دلیل، بازی‌های متعارفی نظیر فوتبال، کشتی و... را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست؛ چه، در آنها جایزه توسط طرف خارج از بازی داده می‌شود. البته در همین بازی‌ها اگر طرف‌های بازی خود گروگذاری کنند به نوعی که عرفاً با مخاطره همراه باشد، بازی آن‌ها مصداق قمار خواهد بود. همچنان است که برخی از علمای عامه با توجه مفهوم مخاطره و ریسک طرفینی، آنجایی را که تنها یک طرف چیزی به عنوان گرو قرار دهد و خطر متوجه طرف دیگر نباشد را قمار نمی‌دانند (نک: ملحم، بی‌تا،

۱- به نظر می‌رسد، مخاطره و ریسک مفاهیمی مترادف دارند (نک: حکمت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۸).

۲- برخی از علمای اهل تسنن به این مطلب اشاره کرده‌اند (نک: ملحم، بی‌تا، ۳۴۵).

(۳۴۵).

دوم. قمار اختصاصی به بازی‌های دو نفره نداشته و می‌تواند با بیش از دو طرف نیز محقق شود، به طوری که برخی از حقوق‌دانان نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ش ۱۱۰۰۳). گواه این مدعا گزارش‌هایی از جاهلیت است که بر اساس آن‌ها قمار در بیشتر موارد با طرف‌های متعدد و به صورت گروهی صورت می‌گرفته است (نک: ملحم، بی‌تا، ص ۶۹).

سوم. گروه - آنگونه که از کلام مشهور فقها برمی‌آید - تنها در مال خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند تعهدی بر انجام کاری باشد، همانطور که برخی از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۷۷) نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.

درنهایت، بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان قمار را بدین شکل تعریف کرد:

«قمار، بازی دو یا چند نفره ایست که در آن طرف‌های بازی به منظور غلبه بر دیگری و با پذیرش احتمال ضرر اقدام به گروه‌گذاری می‌کنند، بدین ترتیب که بازنده/بازندگان باید مالی به برنده/برندگان بدهد یا کاری برای او/آنان انجام دهد.»

5-1- مشخصات تعریف برگزیده

مشخصات این تعریف و وجه تمایز آن نسبت به دیگر تعاریف ارائه‌شده از قمار عبارت‌اند از:

5-1-1- کلمه «بازی» در تعریف، به این نکته اشاره دارد که اساساً بر مواردی که مصادق بازی نیستند (مانند مسابقه در یادگیری قرآن یا خطاطی) - حتی با وجود راهنمایی - قمار صدق نمی‌کند.

5-1-2- عبارت «دو یا چند نفره» بیانگر آن است که قمار اختصاصی به بازی‌های دو نفره نداشته و می‌تواند با بیش از دو طرف نیز محقق شود.

5-1-3- عبارت «اقدام به گروه‌گذاری» بیانگر آن است که بازی‌ای را که در آن گروه‌گذاری توسط «طرف/طرف‌های خارج از بازی» انجام شود، نمی‌توان قمار نامید (اگرچه ممکن است به دلایل دیگر شرعاً اشکال داشته باشد).

5-1-4- عبارت «خطر ضرر»، نشانگر آن است که اساساً بر بازی‌های متعارفی که در آن‌ها مخاطره و ریسک وجود ندارد (مانند فوتبال، کشتی، شنا و...) و جایزه به توسط طرف خارج از بازی داده می‌شود، قمار صدق نمی‌کند.

5-1-5- کلمات «مال» و «کار» در تعریف، بیانگر آن است که «مراهنه» شرط قمار است و

بازی‌هایی که در آن‌ها گرو وجود ندارد (چه با آلات مخصوص به قمار انجام شوند مانند بازی با شطرنج برای تفریح، و چه بدون آن‌ها مانند بازی با منج برای تفریح) مصداق قمار نیستند.

6- حرمت بازی با ابزار مخصوص به قمار بدون مرآه

بر اساس تعریف ارائه شده از قمار، از بین حالت‌های چهارگانه - که در ابتدای مقاله بدان اشاره شد - عنوان «قمار» تنها بر حالت‌های اول (بازی با ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری) و سوم (بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار همراه با گروگذاری) به دلیل وجود مرآه صدق می‌کند و حکم آن‌ها نیز حرمت است. حالت چهارم (بازی با غیر ابزار مخصوص به قمار بدون گروگذاری) نیز اساساً قمار نیست و همانطور که گفته شد، در حکم آن نیز اختلاف وجود دارد. همچنین بر اساس آنچه گفته شد، بدیهی است که نمی‌توان حالت دوم (بازی با ابزار مخصوص به قمار بدون گروگذاری) را به دلیل نبود رهان مصداق قمار دانست؛ درعین حال، مشهور این حالت را حرام دانسته و چه بسا بتوان منشأ دیدگاه مشهور را صدق عنوان «تشبه به اهل معاصی» و از باب حرمت اشاعه فحشا (نک: نکونام، ۱۳۹۱، ص ۵۶) یا شمول عنوان «میسر» نسبت به آلات قمار (نک: خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۱۲) دانست؛ برخی نیز در این زمینه به پاره‌ای از روایات (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۵؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۱۸۰ و ۱۸۱) استناد یا به اطلاق عباراتی همچون «لَا تَقْرَبُوهُمَا» (نزدیک آن دو نشوید) (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۱) در باره شطرنج و نرد تمسک کرده و معتقدند حرمت، به حالت لعب بدون عوض نیز تعلق می‌گیرد (نک: انصاری، بی تا، ج ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۲۳؛ همچنین نک: سب‌حانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۵۲)؛ البته اطلاق‌گیری یادشده به شرطی صحیح است که صدور چنین احادیثی را به دلیل وجود خصوصیتی در خود نرد و شطرنج ندانسته و عبارت «لَا تَقْرَبُوهُمَا» را شامل سایر آلاتی که عادتاً برای قمار استفاده می‌شود (مانند پاسور و بیلیارد) نیز بدانیم.

نتایج و یافته‌ها

۱- با بررسی کتب لغت روشن شد که می‌توان واژه «قمار» را با کلمه قرآنی «میسر» - که از «یسر» به معنای آسانی گرفته شده - هم‌معنی دانست. از آنجاکه مال به‌دست آمده از راه قمار به آسانی و بدون زحمت به شخص برنده می‌رسد، از قمار تعبیر به میسر شده است. اسلام اکتساب ثروت را به گونه

۱- در این میان، برخی معتقدند حتی اگر این قسم، مصداق قمار باشد، حرام شمردن آن مشکوک است (نک: موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۳، ص ۲۷).

یاد شده مشروع نمی‌داند؛ از همین روی، چه بسا خداوند در قرآن کریم به جای کلمه «قمار»، از واژه «میسر» استفاده کرده است تا به نوعی به وجه حرمت این عمل نیز اشاره‌ای داشته باشد.

۲- قمار از نظر اصطلاحی در میان فقها چندان تعریف روشن و دقیقی - که جامع افراد و مانع اغیار باشد - ندارد. به علاوه، تعاریف موجود گاه ناهمگون بوده و منشأ آثار متفاوتی در علم فقه شده است، به طوری که در مصداق‌یابی اشتباهاتی رخ داده تا آنجا که برخی از فقها به تبعیت از اهل تسنن مفهوم قمار را علاوه بر بازی‌ها، در معاملات غرری نیز به کار برده‌اند.

۳- مقومات اصلی معنای لغوی قمار، «لعب» (بازی)، «غلبه» (پیروزی)، «رهان» (گروگذاری) و «مخاطره» (ریسک) است؛ از منظر شرع نیز مفهوم قمار زمانی صدق می‌کند که اولاً پای بازی در میان باشد، ثانیاً با گروگذاری - که دو مفهوم «غلبه» و «خطر ضرر برای بازنده» را با خود دارد - همراه باشد و فرقی ندارد بازی با وسایلی صورت بگیرد که عادتاً قماربازان با آن‌ها قمار می‌کنند (مانند پاسور و بیلیارد)، یا آنکه بدون این ابزار باشد (مانند گردو، منچ و فوتبال). بنابراین وجود ابزار قمار - برخلاف آنچه بسیاری ادعا کرده بودند - مداخلیتی در تحقق مفهوم قمار ندارد. همچنین با اینکه درباره بازی با ابزار مخصوص به قمار اما بدون راهنه (مانند بازی با پاسور به شکل تفریحی) مشهور فقها قائل به حرمت شده‌اند، اما به دلیل فقدان رهان، نمی‌توان این موارد را از مصادیق قمار دانست و علت حرمت آن را باید در ادله دیگری همچون حرمت اشاعه فحشا جست‌وجو کرد.

۴- قمار نوعی «لعب» و بازی‌ای است که در آن انگیزه صحیح و غرض عقلانی موجود نباشد. بر همین اساس، مواردی که عنوان بازی بر آن‌ها صدق نمی‌کند (مانند مسابقه دو نفر در یادگیری تجوید قرآن یا خطاطی) - حتی با وجود رهان - از مصادیق قمار محسوب نمی‌شوند؛ به علاوه، در موارد یاد شده، مال به شکل آسان و بدون زحمت - آنگونه که در بازی قمار چنین است - به فرد برنده نمی‌رسد، بلکه برای به دست آوردن آن باید از طریق کسب تخصص، تمرین و... زحمت کشیده شود. همچنین مواردی مانند خرید بلیت‌های بخت‌آزمایی، عضویت در شرکت‌های هرمی، شرط‌بندی بر روی تیم‌های فوتبال و... را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست؛ چه، عنوان «بازی» بر آن‌ها صدق نمی‌کند، هرچند که حرمت موارد یاد شده به خاطر دلایل دیگری همچون عنوان کلی «حرمت اکل مال به باطل» و... می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

۵- در تعریف قمار، در نظر گرفتن مفهوم «مخاطره» (ریسک) ضروری است؛ چه، این واژه از نظر لغت با «مراهنه» (رهان) هم‌معنی بوده و عرف نیز وجود آن را در بازی‌های قمار تأیید می‌کند. این مفهوم در تعاریف اکثر قریب به اتفاق فقهای شیعه - برخلاف برخی از اهل تسنن - به چشم نمی‌خورد. همچنین بر این اساس می‌توان گفت که قمار زمانی محقق می‌شود که طرف‌های مسابقه خود اقدام

به گروگذاری کنند، نه آنکه طرفی خارج از بازی گرو قرار دهد؛ چراکه در این صورت بازنده ملزم به چیزی نمی‌شود و اساساً مفهوم مخاطره و ریسک نسبت به او معنی پیدا نخواهد کرد؛ به همین دلیل، بازی‌های متعارف نظیر فوتبال، کشتی و... را نمی‌توان از مصادیق قمار دانست؛ چه، در آن‌ها جایزه توسط طرف خارج از بازی داده می‌شود. البته در همین بازی‌ها اگر طرف‌های بازی خود گروگذاری کنند به نوعی که عرفاً با مخاطره همراه باشد، بازی آن‌ها مصادیق قمار خواهد بود.

۶- قمار اختصاصی به بازی‌های دو نفره نداشته و برخلاف تعاریف متداول از آن، می‌تواند با بیش از دو طرف نیز محقق شود.

۷- گرو در قمار - برخلاف آنچه از کلام مشهور فقها برمی‌آید - تنها در مال خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند تعهدی بر انجام دادن کاری باشد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۹۹). *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بيروت، المكتبة العلمية.
- ابن تیمیہ، احمد (۱۴۰۸). *الفتاوى الكبرى*، بی‌جا، دار الکتب العلمیة.
- ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴). *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
- اعراف، علیرضا (۱۴۰۰). *مکاسب محرمة*، قم، موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۰). *کتاب المکاسب*، با تحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر، قم، دار الکتب.
- انصاری، مرتضی (بی‌تا). *کتاب المکاسب*، بی‌جا، تراث الشیخ الأعظم.
- ایروانی نجفی، علی (۱۳۸۴). *حاشیة المکاسب*، تهران، کیا.
- بحرانی، یوسف (بی‌تا). *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- بروجردی، سید حسین (۱۴۱۵). *جامع أحادیث الشیعة*، قم، بی‌نا.
- تبریزی، جواد (۱۳۹۹). *ارشاد الطالب الی تعلیق المکاسب*، قم، مطبعه مهر.
- جعفر فرد، محسن (۱۳۹۸). *ماهیت قمار در فقه امامیه با تطبیق بر مصادیق نوظهور در رسانه ملی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تهران (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.
- چگینی، مهدی (۱۳۹۸). *قمار بازی در فضای مجازی از نظر حقوق کیفری*، مجلس و راهبرد، ۲۵ (۱۰۰).
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع).

حسین زاده، جواد (۱۳۹۲). مقایسه قرارداد اختیار معامله با قمار در حقوق ایران و انگلیس، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱۷ (۴).

حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
حسینی عاملی، محمدجواد (بی تا). مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة للفقیه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
حکمت نیا، محمود (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم مخاطره در قراردادها با تأکید بر مفاهیم قمار و غرر، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۸ (۲).

حلی، حسن (۱۴۱۲). منتهی المطلب في تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
حلی، حسن (بی تا). تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲). استفتائات امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
خمینی، سید روح الله (۱۴۳۴). المكاسب المحرمة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
خمینی، سید روح الله (بی تا). رساله توضیح المسائل (مراجع)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷). مصباح الفقاهة، قم، مكتبة الداوری.
دانشگاه آکسفورد (۲۰۰۱). فرهنگ آکسفورد المنتری، بی جا، مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا، تهران، روزنه.
راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
زمخشری، محمود (۱۳۹۹). أساس البلاغة، بیروت، دار صادر.
زمخشری، محمود (بی تا). الفائق في غريب الحديث، بی جا، دار الكتب العلمية.
سالم، کمال بن سید (بی تا). صحیح فقه السنة و أدلته و توضیح مذاهب الأئمة، قاهره، المكتبة التوفيقية،
سیحانی، جعفر (۱۴۱۶). المواهب في تحرير احكام المكاسب، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع).
سعدی، محمد (۱۴۳۲). مجموع مؤلفات الشيخ العلامة عبدالرحمن بن ناصر السعدی رحمة الله، ریاض، دار المیمان.
شهیدنانی، زین الدین (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
شوکانی، محمد (۱۴۱۴). فتح القدير، دمشق، دار ابن کثیر.
صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴). المحيط في اللغة، بیروت، عالم الكتاب.
صافی، لطف الله (۱۴۲۸). هداية السائل، قم، مكتب سماحة آية الله العظمى الصافي گلپایگانی.
صانعی، یوسف (۱۳۸۵). قمار، مسابقات و سرگرمی، قم، میثم تمار.
صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). إقتصادنا، قم، مكتب الإعلام الإسلامی.
صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، قم، جامعه مدرسین.
طباطبایی کربلایی، سید علی (۱۴۰۴). ریاض المسائل في بيان الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان في تفسير القرآن، لبنان، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البیان في تفسير القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين و مطلع النیرین، تهران، مرتضوی.
طوسی، محمد (۱۳۸۷). المبسوط في فقه الإمامية، تهران، المكتبة المرتضوية.
عباشی، محمد (۱۳۸۰). تفسير العياشي، تهران، المطبعة العلمية.
فخر رازی، محمد (۱۴۲۰). التفسير الكبير، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹). کتاب العين، قم، نشر هجرت.
فیومی، احمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر في غريب الشرح الكبير، قم، مؤسسه دار الهجرة.

قبولی درافشان، سید محمدهادی (۱۴۰۱). بررسی صدق موضوعی قمار بر شرطبندی‌های اینترنتی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، ۲۴ (۹۶).

قرطبی، محمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر القمی، قم، دار الکتب.

کلینی، محمد (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). حقوق مدنی (مشارکتها - صلح)، تهران، گنج دانش.

کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۰). شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر، نجف، الذخائر.

مجددی برکتی، محمد (۲۰۰۹). التعريفات الفقهية، بیروت، دار الکتب العلمية.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

محقق حلی، جعفر (۱۴۰۹). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، تهران، نشر استقلال.

محقق کرکی، علی (۱۴۱۴). جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

مسعودی، علی (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، مؤسسه دارالهجرة.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مقدس اردبیلی، احمد (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.

ملحم، سلیمان (بی تا). القمار حقیقته و احکامه، ریاض، دار کنوز اشبیلیا.

موسوی خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵). جامع المدارک في شرح المختصر النافع، تهران، مکتبه الصدوق.

موسوی سبزواری، سید عبدالعلی (بی تا). مهذب الأحكام في بیان حلال و الحرام، قم، دار التفسیر.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

نراقی، احمد (۱۴۱۵). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

نراقی، احمد (۱۴۲۵). الحاشية على الروضة البهية، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

نکونام، محمدرضا (۱۳۹۱). قمار، تهران، صبح فردا.

نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

هاشمی شاهردوی، محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

The Holy Quran.

Bahrani, Y. B. A. (1984). *Al-Hadaiq al-Nazerah fi Ahakam al-Etrat al-Tahirah. Vol. 4 & 21. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation. (in Arabic)*

Borojerdi, SH. (2008). *Jame' Ahadis al-Shie. Qom: Farhang. (in Arabic)*

Dehkhoda, A'. A. (1998). *Loghat Nameh. Tehran: University of Tehran. (in Persain)*

Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad (1985). *Mesbah Al-Monir, Qom: Dar Al-Hijra Foundation.*

Helli (a'llamah), H. (No Date). *Montaha al-Matlab fi Tahqeq al-Mazhab. Out of Place: Old Edition. (in Arabic)*

- Hor Ameli, M. B. H. (1995). *Tafsil Vasa'el Al-Shia Ela Tahsil Masael Al-Sharia*. Qom: Al-Al-Bayt Institute (peace be upon him) *Lahiya al-Tarath*. Vol. 19 & 29. (in Arabic)
- Ibn Manzoor, M. (1993). *Lesan al-A'rab*. Beirut: Dar Sader. (in Arabic)
- Jaafari Langroudi, M. J. (2019). *Legal Terminology*. 32nd edition. Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)
- KHoi, A. (1998). *Mesbah al-Feqahat (Taqrir Abhas Samahah Ayatollah al-O'zma al-Sayed Abulqasem al-Mousavi al-Khoei)*. Qom: Publishers of Davari.
- Majlesi, M. B. (1992). *Behar al-Anvar*. Beirut: Dar Ehya al-Thurath al-A'rabi. (in Arabic)
- Mohagheq Heli (1987). *Sharaye al-Eslam fi Masael al-Halal va al-Haram*. Qom: Ismailian. Vol. 2. (in Arabic)
- Mohagheq Karaki, A. B. H. (1993). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qavaed*. Qom: Al-Al-Bayt (peace be upon him) Institute for Revival of Heritage. Vol. 7. (in Arabic)
- Moosawi Khomeini, SR. (n.d). *Tahrir al-Wasila*. Qom: Dar al-elm. (in Arabic)
- Muqadas Ardabili, A. B. M. (No date). *Majma al-Faidah wa Al-Barhan Fi Sharhe Irshad al-Azhan*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation. Vol. 10. (in Arabic)
- Najafi, M.H. (n.d). *Javaher al-Kalam*. Beirut: Dar Al-Ihya' Al-Tarath Al-Arabi. (in Arabic)
- Qortobi, A. A'. M. (1964). *al-Jamee' le Ahkam al-Quran*. Qairo: Dar al-Kotob al-Mesreyah. (in Arabic)
- Shaheed Thani (1992). *Masalak al-Afham ela Tanghih Shari' al-Islam*. Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. (in Arabic)
- Tabresi, F.H. (1987). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beyrut: Dar al-Marefa. (in Arabic)
- Toraihi, Fakhroddin, (1996), *Majma 'al-Bahrain*, Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Tusi, Mohammad (2008). *Al-Mabsūṭ fi fiqh al-Imāmīyya*, Tehran: Maktab Al-Mortazavie.
- Zobaydi, M. (No Date). *Taj al-A'rus Mdn Javaher al-Qhamus*. Beirut: Dar al-Hedyah. (in Arabic)